



آیت الله انقلابی

آیت الله «غلامحسین تبریزی» معروف به «شیخ غلامحسین ترک» در سال ۱۲۶۰ هجری شمسی (۱۳۰۳ هجری قمری) در خانواده‌ای مذهبی و در روستای «وایقان» از توابع شبستر متولد شد.

او در سال‌های نخستین عمر خود، در مدرسه طالبیه تبریز به تحصیل پرداخت. برای ادامه تحصیل، به حوزه علمیه نجف رفت و در محضر درس حضرات آیات «محمدکاظم خراسانی مشهور به آخوند خراسانی»، «محمدحسین غروی اصفهانی»، «سید محمدکاظم یزدی»، «فتح الله غروی اصفهانی معروف به شریعت اصفهانی» و «میرزا ابوالحسن انگجی» تلمذ کرد.

همزمان با شکل‌گیری نهضت مشروطه، به تبریز مراجعت کرد. با توجه به این که اندیشه‌های بهایی در تبریز در حال نشو و نما بود، به مقابله با این اندیشه‌ها پرداخت.

همزمان با اوج‌گیری کمونیسیم در شوروی سابق، افکار و اندیشه‌های کمونیسیم از مرزهای بادکوبه و باکو وارد شهر تبریز می‌شد. او برای مقابله با این تفکرات، در میان مردم و جوانان جلسات تفسیر قرآن و سخنرانی راه اندازی کرد.

او با اخلاق و رفتار خوب، نفوذ عمیقی در افکار عمومی پیدا کرد. آوازه تفسیر شیخ غلامحسین تبریزی در همه جا پیچید و زبانزد همگان شد. مخالفت‌های شجاع الدوله حاکم تبریز هم نتوانست او را از ادامه تفسیر باز دارد. برای اولین بار، در تبریز جلسات تفسیر قرآن را متداول کرد که ترک‌ها به آن «سیره» می‌گویند.

اقدام به تأسیس جمعیت دیانتی کرد تا مردم تبریز را در مقابل تبلیغات سوء افرادی که آن‌ها را عوامل بیگانه و روشنفکران غرب‌زده می‌دانست، قدرتمند سازد.

عصرهای جمعه در کوچه مجتهد تبریز، جلسات معارف و عقاید اسلامی را برای اعضای جمعیت دیانتی و دیگر اقشار مردم برگزار می‌کرد و به سبک نوینی تدریس می‌کرد. همچنین نشریه‌ای به نام «تذکرات دیانتی» را چاپ و به شهرهای مختلف ایران می‌فرستاد که متن آن، در بخش مطبوعات قدیمی سایت کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس موجود است. او در در نهضت روحانیون تبریز در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی، سخنگوی حضرات آیات انگجی و میرزا صادق آقا تبریزی بود. مبارزه علیه رضاشاه را در جریان «اتحاد شکل» شدت بخشید و مردم را تحریک کرد که با شعار «الله اکبر» در منزل عالمان تحصن کنند. حرکتی که منجر به دستگیری و تبعید تعدادی

از علما شد. به مدت ۸ ماه مخفیانه زندگی کرد و به دلیل روابطی که با آیت الله شیخ عبدالکریم حائری داشت، به واسطه او از «تحت تعقیب بودن» خارج شد. چندی بعد و در جریان سفر رضاشاه به تبریز، از استقبال از وی استنکاف کرد. پس از آن راهی نجف شد و در مراجعت به ایران، به مشهد مهاجرت کرد. مهاجرتی که نوعی تبعید به حساب می‌آمد و مجبور به آن شد. در دیماه ۱۳۱۴ در جریان قیام مردم در مسجد گوهرشاد حضور داشت. در شهر مشهد، شاخه‌ای از «فدائیان اسلام» شکل گرفته بود که شیخ غلامرضا تبریزی در راس آن قرار داشت.

او نشریه «خداپرستی» را به درخواست اعضای این حزب به زبان ساده منتشر کرد. عصرهای جمعه جلسه تفسیر قرآن او برقرار بود.

در زمان شهادت نواب صفوی، شیخ غلامرضا تبریزی به عتبات سفر کرده بود. اما در بازگشت از سفر و با وجود اوج خفقان، برای شهید نواب مجلس چهلم گرفت.

در جریان انجمن ایالتی و ولایتی، نامه‌ها و تلگراف‌هایی در حمایت از نهضت امام خمینی (ره) ارسال و در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، بیانیه‌ای درباره اهمیت تشکیل حکومت اسلامی صادر کرد. وی اقامه نماز جمعه را واجب می‌دانست و به همین جهت، از سال ۱۳۲۸ تا اوایل سال ۱۳۵۹ در مسجد گوهرشاد نماز جمعه اقامه می‌کرد. امام (ره) به خاطر علاقه‌ای که به ایشان داشت، تا زمان ارتحال او، امام جمعه‌ای برای مشهد منصوب نکرد. او که «نهضت مشروطه» و «انقلاب اسلامی» را درک کرده بود، از هیچ همکاری برای پیروزی انقلاب اسلامی دریغ نکرد. علاوه بر مجموعه نشریه‌های «تذکرات دیانتی»، «راحت»، «ندای حق» و «خدا پرستی»، حدود ۷۰ جلد کتاب به رشته تحریر در که برخی از آن‌ها عبارتند از: «نکت اعتقادی»، «راهنمای سعادت»، «رهبر حقیقت»، «الانوار اللامعه»، «الدر الثمینه»، «اصول مذهب» و ...

با حضرات آیات: «میرزا جواد آقا تهرانی»، «حسینعلی مروراید»، «شیخ مجتبی قزوینی»، «سید محمدهادی میلانی»، «سید یونس اردبیلی» و «حسین قمی» رابطه نزدیک داشت و آیت الله میلانی به او لقب «شیخ العلماء» داده بود. زندگی ساده‌ای داشت و پیوسته اهل خیر و کمک به افراد بی‌بضاعت و خصوصا «ایتام» بود. مدرسه دارالتعلیم دینی و مدرسه علمیه جعفریه را تأسیس کرد و ۲۵ سال بیمه پزشکی و بهداشت طلاب مشهد را بر عهده گرفت.

او در ۲۴ خرداد سال ۱۳۵۹ مصادف با روز اول شعبان، در ۹۷ سالگی دار فانی را وداع گفت و در رواق «دارالسلام» حرم مطهر رضوی و در جوار آرامگاه شهید هاشمی نژاد به خاک سپرده شد.